





A Reflection on the Media Policy of the Islamic Republic of Iran in Confronting the U.S. Soft War in Iraq: Objectives and Strategies

Seyed Ali Olfati , Ph.D. Candidate in Media Management, Faculty of Market and Business, South Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran. Email: drseyedalioolfati@gmail.com.

Ali Rabiei , Professors, Department of Social Sciences, Faculty of Social Sciences, Payame Noor University, Tehran, Iran (Corresponding Author). Email: alirabieipnu@gmail.com.

AbdolRahim Rahimi , Assistant Professor, Faculty of Market and Business, South Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran. Email: a_rahimi@azad.ac.ir.

Mashallah Valikhani Dehaghani , Assistant Professor, Faculty of Market and Business, South Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran. Email: valikhani_ma@yahoo.com.

Extended Abstract

Introduction: Entering the 21st century, the concept of warfare has undergone both functional and substantive transformations, with “soft war” emerging as one of the most critical tools employed by major powers to influence the domestic and foreign policies of other nations. The United States, as a leading actor in international affairs, has employed various instruments of soft warfare to advance its foreign policy objectives. In West Asia—particularly in the aftermath of the 2003 Iraq War—soft war has become a central strategy for Washington to weaken regional rivals and shape the region’s socio-political landscape. Iraq, as a key country in the region and a significant neighbor of the Islamic Republic of Iran, has become a primary arena for this type of confrontation. The extensive presence of Western media outlets, social media platforms, and U.S. public diplomacy initiatives in Iraq aims to shift public opinion and influence Iran’s behavior within the country. In response, the Islamic Republic of Iran has demonstrated a clear awareness of the significance of soft war and its profound impact on Iraq’s political and social dynamics. Iran’s influence in Iraq has been reinforced over time not only due to political and security considerations but also because of the deep cultural, historical, and religious ties shared between the two nations. Within this context, the present study is guided by the following central question: How are the objectives and strategies of Iran’s media policy shaped in response to the U.S. soft war in Iraq?

Research Objectives: This study aims to investigate the media policy of the Islamic Republic of Iran in response to the U.S. soft war in Iraq. It specifically seeks to answer the main research question: How are the objectives and strategies of Iran’s media engagement in this confrontation formulated?

Method: This research adopts a qualitative approach using the focus group method. Fifteen experts specializing in media, security, and policy-making participated in the study. The collected data were analyzed using thematic analysis techniques.

Findings: The findings reveal that the United States, through media and cultural tools, seeks to bring about cultural transformation in Iraq, deepen ethnic and



sectarian divides, and diminish Iran's influence. In response, Iran's media policy should be grounded in strategies such as image management and branding, reinforcing Iraq's national and religious identity, legitimizing Iran's presence, supporting allied movements, and countering U.S. security narratives. Strategic priorities also include promoting the Islamic lifestyle, producing engaging and culturally resonant media content, and cooperating with Iraqi media elites.

Conclusion: To enhance the effectiveness of Iran's media policy in Iraq, it is crucial to establish a specialized center for public opinion research and monitoring in key Iraqi provinces. Moreover, Iran's media policy must harness modern communication technologies to produce localized, entertaining content that aligns with Iraqi public preferences. A comprehensive and strategic plan—incorporating both defensive and offensive dimensions—is essential to effectively confront the U.S. media war.

Keywords: Media Policy, Iran, United States, Iraq, Soft War.



تأملی بر سیاست‌گذاری رسانه‌ای جمهوری اسلامی ایران در مواجهه با جنگ نرم آمریکا در عراق؛ اهداف و راهبردها

سیدعلی الفتی^۱، علی ربیعی^۲، عبدالرحیم رحیمی^۳، ماشالله ولیخانی دهاقانی^۴

چکیده

در عصر ارتباطات و ظهور جامعه پلتفرمی، جنگ نرم به‌عنوان یک استراتژی مؤثر از سوی قدرت‌های بزرگ در راستای مدیریت افکار عمومی تغییر در ترجیحات تصمیم‌گیران جوامع هدف، از اهمیت محوری برخوردار گردیده است. در این میان ایالات متحده آمریکا از جنگ نرم به‌عنوان ابزاری برای تولید و بازتولید اهداف و منافع ملی خود در عراق و منطقه غرب آسیا بهره می‌برد. با توجه به تحولات پیچیده سیاسی و اجتماعی عراق پس‌اصدام، این پژوهش به بررسی سیاست‌گذاری رسانه‌ای جمهوری اسلامی ایران در برابر جریان جنگ نرم ایالات متحده آمریکا در عراق متمرکز است. روش تحقیق پیش رو، تبیین کیفی و مبتنی بر استراتژی روش کیفی گروه‌کانونی است. این مهم که؛ اهداف و راهبردهای رسانه‌ای ایران در مواجهه با جنگ نرم ایالات متحده آمریکا در عراق چگونه قوام می‌یابد؟ سؤال و هدف اساسی این پژوهش است. یافته‌های این پژوهش مؤید این نکته است که تأسیس و ایجاد یک مرکز تخصصی افکارکاوی در عراق از استلزامات اساسی و ایجابی مهم به‌منظور اثربخشی و کارآمدی هرچه بهتر هر راهبرد رسانه‌ای در عراق است چراکه به‌واسطه تنوع، پیچیدگی و گستردگی قومی و مذهبی در کنار ظهور شکاف‌های اجتماعی نوپدید در کشور عراق، هر سیاستی بایستی به فراخور و شرایط ویژه هر منطقه از عراق طراحی گردد.

واژگان کلیدی

سیاست‌گذاری رسانه‌ای، ایران، آمریکا، عراق، جنگ نرم.

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۱۱/۰۳ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۱/۱۶

۱. دانشجوی دکتری مدیریت رسانه، دانشکده بازار و کسب و کار، واحد تهران جنوب، دانشگاه آزاد اسلامی تهران، ایران.
drseyedaliofati@gmail.com

۲. استاد گروه علوم اجتماعی دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه پیام نور، تهران، ایران. (نویسنده مسئول)
alirabieipnu@gmail.com

۳. استادیار دانشکده بازار و کسب و کار، واحد تهران جنوب، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.
a_rahimi@azad.ac.ir

۴. استادیار دانشکده بازار و کسب و کار، واحد تهران جنوب، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.
valikhani_ma@yahoo.com

مقدمه

با ورود به قرن بیست و یکم، مفهوم جنگ با تحول کارکردی و محتوایی مواجه گردید و انگاره «جنگ نرم» به یکی از مهم‌ترین ابزارهای قدرت‌های بزرگ برای تأثیرگذاری بر سیاست داخلی و خارجی سایر کشورها بدل گردید (Nye, 2004: 31). برخلاف جنگ‌های سنتی که مبتنی بر استفاده از ابزارهای صرف نظامی بود، جنگ نرم بر کنترل ذهن‌ها و تغییر در افکار و نگرش‌های عمومی از طریق ابزارهای فرهنگی، رسانه‌ای و ارتباطاتی تأکید دارد (Hammond, 2018: 45). در این نوع جنگ، به‌جای درگیری فیزیکی، قدرت‌های بزرگ جهانی و منطقه‌ای تلاش می‌کنند تا با بهره‌گیری از روش‌های نفوذ نرم‌افزاری، ارزش‌ها و هویت‌های جوامع هدف را دگرگون ساخته و اهداف خود را در قالب پروژه‌های فرهنگی و رسانه‌ای پیش ببرند. این نوع از منازعه که غالباً هزینه‌های کمتری در مقایسه با جنگ‌های نظامی به همراه دارد، به‌طور فزاینده‌ای در سیاست خارجی ایالات متحده آمریکا و دیگر قدرت‌های جهانی مورد استفاده قرار گرفته است (Joseph & Kurth, 2020: 213).

ایالات متحده آمریکا به‌عنوان یکی از بزرگ‌ترین بازیگران عرصه بین‌المللی، از ابزارهای متنوع جنگ نرم برای پیشبرد اهداف سیاست خارجی خود استفاده می‌کند. در غرب آسیا، به‌ویژه پس از تحولات ناشی از جنگ عراق در سال ۲۰۰۳، کاربرد جنگ نرم به یکی از مهم‌ترین راهبردهای واشنگتن، برای تضعیف رقبای منطقه‌ای و مدیریت تحولات سیاسی-اجتماعی منطقه بدل گردیده است (Kahl, 2018: 145-147). از جمله اهداف اصلی آمریکا در منطقه، کنترل نفوذ و تأثیرگذاری جمهوری اسلامی ایران است (Gause, 2019: 86). در این میان، عراق به‌عنوان یک کشور کلیدی در منطقه و از همسایگان مهم ایران، به‌کانون اصلی این نوع تقابل نرم تبدیل شده است. حضور گسترده رسانه‌های غربی، شبکه‌های اجتماعی و فعالیت‌های دیپلماسی عمومی آمریکا در عراق، همگی در راستای تغییر افکار عمومی و مدیریت رفتار ایران در این کشور است (Al-Rawi, 2020: 62).

در مقابل، جمهوری اسلامی ایران نیز به‌خوبی از اهمیت جنگ نرم و تأثیرات عمیق آن بر تحولات سیاسی و اجتماعی عراق آگاه است. نفوذ ایران در عراق، علاوه بر دلایل سیاسی و امنیتی، به‌واسطه پیوندهای فرهنگی و تاریخی میان دو ملت و اشتراکات مذهبی در طول سال‌ها تقویت شده است (Ehteshami, 2021: 172). در این چارچوب،

پژوهش پیش رو در راستای این مهم که اهداف و راهبردهای رسانه‌ای ایران در مواجهه با جنگ نرم ایالات متحده آمریکا در عراق چگونه شکل می‌یابد؟ استوار است.

پیشینه پژوهش

مرور ادبیات یکی از مهم‌ترین ارکان هر پژوهش روشمند است چراکه فلسفه پیشرفت و توسعه علم، فرآیندی انباشتی را طی نموده است. پژوهش حاضر با هدف بیان و تشریح ارتباط موضوع تحقیق با دانش انباشته پیشین به گردآوری منابع مرتبط با موضوع سیاست‌گذاری رسانه‌ای، نقش و جایگاه جمهوری اسلامی در مناسبات داخلی و بین‌المللی عراق و همچنین؛ جایگاه ایالات متحده آمریکا در این کشور، پرداخته است. از این رو در جدول ذیل به بررسی آثار و ادبیات موجود در حوزه موضوعی پژوهش پرداخته گردیده است.

جدول ۱. پیشینه پژوهش

پژوهشگر	عنوان	یافته
منابع داخلی		
ملیحه نیک‌روش (۱۴۰۱)	منابع قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران در عراق جدید	به‌واسطه مجاورت جغرافیایی، اشتراکات قومی و زبانی، فرهنگ و مراودات علمی، ایران از ظرفیت‌ها و پتانسیل‌های قدرت نرم در عراق برخوردار است.
نصرت‌الله حیدری (۱۴۰۱)	تأثیر حضور نیروهای آمریکایی در عراق جدید بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران	ایالات متحده آمریکا با بهره‌گیری از دو نوع قدرت سخت و نرم نفوذ خود را به نحوی گسترش داده که در حوزه‌های مختلف سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و زیست‌محیطی به تهدیدی برای منطقه و به‌طور خاص به تهدیدی برای امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران تبدیل شده است.
حمید خوشایند (۱۴۰۰)	استراتژی آمریکا برای تقویت نفوذ نرم خود در عراق	در سال‌های اخیر، آمریکایی‌ها برنامه‌ها و اقدامات متعددی را برای گسترش و تعمیق «نفوذ نرم‌افزاری» خود در عراق طراحی و اجرا کرده‌اند. دولت آمریکا در حال گسترش «نفوذ نرم و فرهنگی» خود در عراق به موازات کاهش یا مدیریت حضور نظامی و سخت‌افزاری خود است.
تیرداد تقی‌پور (۱۴۰۰)	پیامدهای سیاسی امنیتی حضور آمریکا در عراق	این اثر در پی ارائه یک چشم‌انداز از نتایج حضور آمریکا در ابعاد سیاسی و امنیتی است. یافته‌های نویسنده نشان می‌دهد که در حوزه سیاست داخلی و خارجی و همچنین در زمینه بحث‌های مرتبط با امنیت پایدار حضور ایالات متحده همراه با اثرات سوء و مخرب برای عراق بوده است.

پژوهشگر	عنوان	یافته
رضا زحلی، رضا موسی زاده (۱۳۹۹)	رویه ایالات متحده آمریکا در جنگ نرم علیه ایران با رویکرد حقوق بشر	اقدامات آمریکا برای پیشبرد اهداف حقوق بشری در چارچوب قدرت نرم شامل استفاده از مؤسسات مالی بین‌المللی، سازمان ملل، تحریم‌ها، حمایت از گروه‌های معارض و نهادهای غیردولتی و نفوذ در شبکه‌های تلویزیونی و اینترنتی است.
امیررضا جعفری هرندی (۱۳۹۹)	مدیریت نفوذ ایالات متحده در عراق جدید	این کتاب حضور آمریکا در عراق را در دو دوره بررسی می‌کند: دوره اول (۲۰۰۳-۲۰۰۸) با تکیه بر قدرت سخت و مداخله نظامی و دوره دوم (۲۰۰۸-۲۰۱۵) با تأکید بر قدرت نرم و تأثیر فرهنگی. یافته‌ها نشان می‌دهد که آمریکا با ترکیب این دو رویکرد، به دنبال تغییر فرهنگ و سبک زندگی عراقی‌ها برای تثبیت نفوذ خود بوده است.
علی امید (۱۳۹۸)	تأثیر قدرت نرم ایالات متحده آمریکا بر افزایش نفوذ این کشور در عراق	پس از تهاجم نظامی ۲۰۰۳، آمریکا دریافت که قدرت سخت به‌تنهایی برای نفوذ در عراق کافی نیست، بنابراین بر تقویت قدرت نرم تمرکز کرد. این کتاب منابع و مؤلفه‌های قدرت نرم آمریکا در عراق را در حوزه‌های سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و آموزشی بررسی می‌کند.
منابع لاتین		
پژوهشگر	عنوان	یافته
رضا سیمبار ^۱ (۲۰۲۲)	ایران و عراق پساداعش؛ تهدیدات پیش رو	ایران با استفاده از روابط تاریخی، اقتصادی و مذهبی در عراق به اهداف خود دست یافته است. مدیریت صحیح این ابزارها، باوجود چالش‌ها، دستاوردهای پایداری داشته و رویکردی مشروع محسوب می‌شود. این مقاله منابع قدرت ایران در عراق و مدیریت استراتژیک آن‌ها را بررسی می‌کند.
هاتف پوررشیدی و جواد علیپور و مهران صمدی و ندا سلیمانی ^۲ (۲۰۲۱)	شناخت سیاست رسانه‌ای جمهوری اسلامی ایران: تمرکز بر مقررات و قوانین	این مقاله با روش اسنادی، سیاست رسانه‌ای ایران را بر اساس نظریه‌های هنجاری تحلیل می‌کند و تأثیر رسانه‌های جدید و تحولات سیاسی بر مقررات آن را بررسی می‌نماید. سیاست رسانه‌ای ایران، با مدل تنظیمی منحصربه‌فرد، بیشترین شباهت را به نظریه مسئولیت اجتماعی دارد و از ترکیبی از شش نظریه هنجاری بهره می‌برد.

1. Reza Simbar

2. Hafez Pourrashidi & Javad Alipour & Mehran Samadi And Neda Samadi

پژوهشگر	عنوان	یافته
باری مانسلو ^۱ (۲۰۱۸)	از دست دادن قدرت نرم در مکان‌های سخت: بشردوستی پس از حمله آمریکا به عراق	این اثر به بررسی تهاجم ایلات متحده به عراق و استفاده این کشور از ابزارهای سخت قدرت و ناامن کردن عراق منجر به افول حقوق بشر و ارزش‌های انسانی شده است. این موضوع همچنین موجب شده است که گروه‌های رادیکال و بنیادگرای اسلامی در منطقه رشدی بی‌سابقه پیدا کنند. استفاده آمریکا از قدرت نرم در سال‌های بعد از اشغال عراق نیز نتوانسته ضرباتی که آمریکا در نتیجه تهاجم خود به عراق وارد آورده را جبران کند.
الجزیره انگلیسی ^۲ (۲۰۱۷)	نقش رسانه‌های منطقه‌ای ایران در سیاست جنگ نرم	این مقاله با تحلیل گزارش‌های رسانه‌ای ایران درباره جنگ‌های عراق و سوریه، به بررسی نحوه بازنمایی تصویر ایران و دستاوردهای سیاست منطقه‌ای آن می‌پردازد. همچنین، به این پرسش می‌پردازد که آیا سیاست ایران بر شکاف شیعه-سنی متمرکز است یا رقابت با آمریکا و اسرائیل. در نهایت، موفقیت ایران در آشتی هویت فرهنگی مسلمانان و مقابله با امپریالیسم خبری غرب ارزیابی می‌شود.

بیشتر آثار منتشرشده تمرکز کار خود را بر روی یکی از دو کشور ایران یا ایالات متحده آمریکا متمرکز کرده‌اند. علاوه بر این، در مرور ادبیات دیده شد که بیشتر کارهای پژوهشی در رابطه با حضور ایران و عراق در آمریکا توجه و تأکید خود را بر صرف توضیح منابع و مؤلفه‌های قدرت نرم گذاشته‌اند و در زمینه ارائه بینشی نو در نسبت با مقابله با جریان جنگ نرم به‌ویژه در حوزه رسانه بحثی را چندان به میان نیاورده‌اند. پژوهش حاضر در تلاش است که تمرکز و تأکید اولیه خود را بر روی حوزه سیاست‌گذاری رسانه‌ای بگذارد و در این زمینه مبادرت به ارائه الگویی برای سیاست‌گذاری رسانه‌ای جمهوری اسلامی ایران در عراق در تقابل با حضور و نفوذ رسانه‌ای ایالات متحده نماید. از این رهگذر، این پژوهش سعی می‌کند که تقابل میان ایران و ایالات متحده را در عراق در قالب یک جنگ رسانه‌ای بررسی کند به گونه‌ای که بتوان در هر دو زمینه پدافند و آفند با جنگ نرم رسانه‌ای آمریکا در عراق مقابله کرد.

مبانی نظری پژوهش

نظریه قدرت نرم

قدرت نرم مفهومی است که برای نخستین بار توسط جوزف نای در سال ۱۹۹۰ مطرح شد و به عنوان ابزاری برای تأثیرگذاری غیرمستقیم بر رفتار سایر بازیگران بدون اجبار یا تهدید معرفی گردید. این نظریه تأکید دارد که قدرت نرم توانایی دستیابی به اهداف از طریق جذب و اقناع است و از منابعی مانند فرهنگ، ارزش‌های سیاسی و سیاست‌های خارجی مشروع سرچشمه می‌گیرد. به اعتقاد نای، فرهنگ زمانی به عنوان منبع قدرت نرم عمل می‌کند که برای دیگران جذابیت داشته باشد و ارزش‌های سیاسی نیز زمانی مؤثر هستند که بازتاب‌دهنده استانداردهای جهانی باشند (Nye, 2004:32). از این منظر، قدرت نرم نقشی کلیدی در دیپلماسی عمومی و استراتژی‌های سیاست خارجی ایفا می‌کند و می‌تواند مکمل قدرت سخت باشد. بر اساس این نظریه، رسانه‌ها ابزار مؤثری برای تقویت قدرت نرم به شمار می‌روند، زیرا امکان انتقال ارزش‌ها و ایجاد تصویر مثبت از یک ملت را فراهم می‌آورند (Cull, 2009:121). به عبارت دیگر رسانه‌ها بدل به مهم‌ترین ابزار جنگ نرم در بازنمایی و برساخت یک واقعیت اجتماعی بین‌الذهانی در راستای منافع بلندمدت قدرت‌های بزرگ گردیده‌اند.

جنگ نرم، به عنوان زیرمجموعه‌ای از قدرت نرم، به استفاده از ابزارهای فرهنگی، رسانه‌ای و روانی برای تغییر افکار عمومی و رفتار اجتماعی در جهت اهداف استراتژیک اشاره دارد. جنگ نرم از روش‌هایی مانند جنگ اطلاعاتی، روایت‌سازی و تضعیف مشروعیت سیاسی بهره می‌برد تا تأثیرات پایداری بر جامعه هدف بگذارد (Pam-ment, 2013: 58). این مفهوم بر این اساس استوار است که در دوران مدرن، قدرت دیگر تنها از طریق اقدامات نظامی و اقتصادی اعمال نمی‌شود، بلکه از طریق تأثیرگذاری بر ذهنیت و ارزش‌های جوامع نیز قابل اعمال است. برای مثال، در جنگ نرم آمریکا علیه ایران، ابزارهایی مانند شبکه‌های اجتماعی و رسانه‌های بین‌المللی به منظور تغییر نگرش‌ها و تضعیف هویت ملی به کار گرفته شده‌اند (Kraidy, 2010:94). این ابزارها به دلیل ویژگی‌های خاص خود، مانند گستره فراگیر و توانایی هدف‌گیری دقیق، امکان تأثیرگذاری عمیق‌تری را فراهم می‌کنند.

سیاست‌گذاری رسانه‌ای مبتنی بر جنگ نرم، از ارکان اساسی مقابله با تهدیدات نوین در سطح بین‌المللی است. در این راستا، باید سازوکارهایی ایجاد شود که هم قدرت

نرم‌کشور را تقویت کند و هم توانایی خنثی‌سازی تهدیدات نرم دشمن را داشته باشد؛ زیرا جنگ نرم از طریق مدیریت روایت‌های مخالف، اعتماد عمومی به ساختارهای رسمی را تضعیف می‌کند. لذا، تولید و انتشار روایت‌های جذاب و مستند به همراه بهره‌گیری از رسانه‌های دیجیتال و فناوری‌های مدرن برای هدف‌گیری دقیق مخاطبان، از ابعاد حیاتی این سیاست است (Pamment, 2013:89).

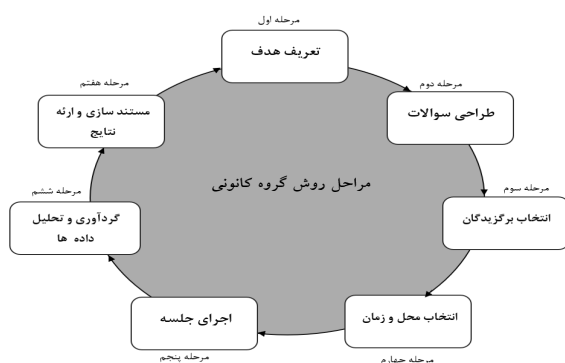
در این راستا، مؤلفه‌های نظری مستخرج در حوزه موضوع پژوهش بدین شرح می‌باشند:

- پدیده جنگ در عصر جهانی‌شدن، به لحاظ ماهوی دچار تحول کارکردی و محتوایی گردیده است. بر این مبنا، جنگ نرم به یکی از ابعاد جنگ در عصر کنونی و رسانه به مهم‌ترین ابزار و وسیله تحقق اهداف این عرصه بدل گردیده است (Flew, 2016).
- رسانه یک از ابزارهای مهم در جنگ نرم است که از طریق بازنمایی و برسازي، به دنبال تحمیل و تحکیم واقعیت برساخته بر مخاطب است. از این رو، انحصار در تولید روایت، به یکی از ابزارهای مهم در تولید قدرت تبدیل شده است.
- رسانه با ایجاد برساخت یک واقعیت مصنوعی، هدفمند و اقتضایی، تولید قدرت، نفوذ و تسلط بر جوامع و ملت‌ها از طریق شکل‌دهی به ترجیحات و ذائقه مخاطبان، میسر می‌کند (Lychkovska, 2017).
- جنگ نرم آمریکا در عراق در راستای تولید و بازتولید قدرت هژمونیک این کشور در منطقه و عرصه جهانی قابل طرح است. رسانه در این میان به یکی از کلیدی‌ترین ابزارهای جنگ شناختی و نرم در جهت شکل‌دهی به نظم منطقه‌ای مطلوب غرب در عراق بدل گشته است.
- ایالات متحده آمریکا با هدف تداوم سلطه بر منابع عراق و مدیریت رفتار بازیگران کلیدی در عراق، جنگ شناختی و نرم علیه این کشور اتخاذ نموده است و تحکیم و تثبیت روابط سلطه و نابرابر را از این منظر دنبال می‌نماید.
- راهبرد کلان آمریکا از اتخاذ جنگ نرم در عراق، استحاله فرهنگی، تسخیر قلب‌ها و ذهن‌ها و تحمیل سبک زندگی غربی به مردم عراق است.
- برسازي هویتی نوین و همسو با منافع آمریکا برای عراق پس‌اصدام، از راهبردهای محوری و اساسی آمریکا در اتخاذ و به‌کارگیری جنگ نرم علیه این کشور است. از سوی دیگر، این هویت بایستی در تقابل با دشمنان آمریکا در منطقه، به‌ویژه جمهوری اسلامی ایران باشد (Simons, 2021).

- عراق به دلیل وضعیت تاریخی ویژه، موقعیت خاص ژئوپلیتیکی و استراتژیک در کانون راهبردهای کلان قدرت‌های بزرگ در غرب آسیا قرار داد. ایالات متحده آمریکا نیز با درک این مهم در پی کنش آفرینی در منطقه از طریق نفوذ بر عراق است (Jones, 2014).

روش پژوهش

روش پژوهش این مقاله در دو گام طراحی شده است. در گام نخست از روش گروه کانونی (Focus Group) به منظور احصا مفاهیم و متغیرهای تحقیق بهره برده شده است و در گام بعدی به منظور تحلیل و بررسی نتایج به دست آمده از گروه کانونی از روش تحلیل مضمون استفاده شده است. روش گروه کانونی یکی از تکنیک‌های تحقیق کیفی است که برای جمع‌آوری داده‌ها از طریق بحث گروهی متمرکز و هدایت‌شده به کار می‌رود. این روش شامل؛ گروهی از افراد با ویژگی‌های مشترک یا تجربیات مشابه است که در یک محیط تعاملی، دیدگاه‌های خود را درباره یک موضوع خاص به اشتراک می‌گذارند. مدیریت بحث توسط یک تسهیل‌گر حرفه‌ای انجام می‌شود که وظیفه دارد جریان گفت‌وگو را کنترل و موضوعات مهم را استخراج کند (Krueger & Casey, 2014). روش گروه کانونی، به دلیل امکان کشف نگرش‌های عمیق و تعاملات اجتماعی بین شرکت‌کنندگان، از سایر روش‌های کیفی متمایز است. این روش به محقق اجازه می‌دهد فراتر از پاسخ‌های فردی، فرآیند شکل‌گیری و تغییر نگرش‌ها در محیط گروهی را نیز مشاهده کند (Morgan, 1996).



تصویر ۱. مراحل انجام روش گروه کانونی - ترسیم توسط نگارنده

با ابتدا و اتکا بر این روش می‌توان ابزاری حیاتی برای جمع‌آوری داده‌های مفید از دیدگاه‌ها و تحلیل‌های متخصصان برای تبیین سیاست‌گذاری رسانه‌ای مطلوب و مؤثر ایران در مواجهه با جریان جنگ نرم آمریکا در عراق بهره‌مند شد. این روش امکان تعامل مستقیم با گروه‌های مختلف مانند تحلیل‌گران رسانه‌ای، سیاست‌گذاران و یا کارشناسان امنیتی را فراهم می‌کند.

نتایج به‌دست‌آمده از گروه کانونی در گام بعد مورد تحلیل مضمون قرار می‌گیرند. روش تحلیل مضمون یکی از شیوه‌های روش کیفی است که برای شناسایی، تحلیل و تفسیر الگوهای معنایی (مضامین) در داده‌ها به کار می‌رود. این روش با تمرکز بر تحلیل عمیق محتوای کیفی، امکان شناسایی مضامین پنهان و آشکار موجود در متون یا مصاحبه‌ها را فراهم می‌کند (Braun & Clarke, 2006, 82). مراحل اصلی تحلیل مضمون از منظر براون کلارک شامل؛ آشنایی با داده‌ها، ایجاد کدهای اولیه، شناسایی مضامین، بازبینی مضامین، تعریف و نام‌گذاری مضامین و گزارش‌نویسی است. در مرحله نخست، محقق به خواندن دقیق داده‌ها پرداخته و با محتوای آن آشنا می‌شود. سپس کدگذاری صورت می‌گیرد که در آن به هر بخش داده، یک یا چند کد اختصاص داده می‌شود که منعکس‌کننده محتوای آن بخش است (Nowell et al. 2017, 6).

نمونه آماری

نمونه آماری گروه کانونی در این پژوهش شامل؛ ۱۵ نفر از کارشناسان و فعالان حوزه رسانه است که با توجه به تجربه و دانش تخصصی در زمینه سیاست‌گذاری رسانه‌ای، موضوع جنگ نرم ایالات متحده و جایگاه رسانه‌ای ایران در عراق انتخاب شده‌اند. انتخاب این افراد به‌صورت هدفمند و با توجه به موضوعات و بخش‌های مرتبط با موضوع پژوهش صورت گرفته است. به‌عبارت‌دیگر؛ به‌منظور دستیابی به دیدگاه‌های دقیق و عملی در خصوص سیاست‌ها و راهبردهای رسانه‌ای در خصوص مواجهه هدفمند و آگاهانه با جنگ نرم، تلاش شده تا با توجه به محورهای اصلی پژوهش از کارشناسانی مصاحبه و دعوت به حضور در جلسه برگزاری «گروه کانونی» به عمل آمد که در یکی از بخش‌های مرتبط با رسانه، سیاست‌گذاری، یا مطالعات امنیتی و جنگ نرم فعالیت دارند.

یافته‌های پژوهش

منطبق بر روش تحقیق گروه کانونی، نتایج به دست آمده با هماهنگی با استاد محترم راهنما، مستندسازی و مجدد در اختیار کارشناسان و متخصصان حاضر در گروه کانونی قرار گرفت و پس از جرح و تعدیل‌های صورت گرفته بدین شرح است:

جدول ۲. نتایج تحلیل گروه کانونی

نتایج تحلیل گروه کانونی			
زمینه	سوالات کلیدی	اهم نکات کلیدی کارشناسان	استنباط گزاره تحلیلی
SWOT رسانه‌های ایران در عراق	به نظر شما توانمندی‌های رسانه‌های ایران در عراق کدامند؟ و از چه ویژگی‌هایی برخوردار است؟	<ul style="list-style-type: none"> - شبکه‌های ماهواره‌ای فارسی زبان مثل؛ العالم، پرس تی وی و... - شبکه‌های اجتماعی، نظیر؛ توئیتر، فیس‌بوک و... - رسانه‌های مکتوب 	<ul style="list-style-type: none"> - قربات‌های فرهنگی در تولیدات رسانه‌ای - توان بالای جذب مخاطبان در رسانه‌های خبری و تحلیلی - تولیدات رسانه‌ای اسلامی و مذهبی
	به نظر شما فرصت‌های رسانه‌های ایران در عراق کدامند؟ و از چه ویژگی‌هایی برخوردار است؟	<ul style="list-style-type: none"> - اشتراکات دینی و گفتمانی - چشم‌انداز سیاسی و امنیتی مشترک - ظرفیت‌های قدرت نرم ایران در عراق 	
	به نظر شما ضعف‌های رسانه‌های ایران در عراق کدامند؟ و از چه ویژگی‌هایی برخوردار است؟	<ul style="list-style-type: none"> - محدودیت بودجه و فناوری در مقایسه با رسانه‌های پیشرفته غربی و منطقه‌ای که توانایی تولید محتوای جذاب و گسترده را محدود می‌کند - سوگیری در تولیدات فرهنگی 	<ul style="list-style-type: none"> - بی‌توجهی و غفلت از جنبه سرگرم - کننده رسانه‌ای - سوگیری و ساخت تولیدات جهت‌دار - تمرکز بیش از اندازه و یک‌سویه بر شبکه‌های تلویزیونی - ظرفیت مغفول مانده دیپلماسی رسانه‌ای - افزایش توان رسانه‌ای کشورهای رقیب در عراق - ایجاد موج اعتراضی نسبت به حضور ایران در عراق - جنگ رسانه‌ای غرب در عراق

نتایج تحلیل گروه کانونی			
زمینه	سؤالات کلیدی	اهم نکات کلیدی کارشناسان	استنباط گزاره تحلیلی
SWOT رسانه‌ای ایران در عراق	به نظر شما تهدیدات رسانه‌ای ایران در عراق کدام‌اند؟ و از چه ویژگی‌هایی برخوردار است؟	– گروه‌های قومی و مذهبی عراق، به‌ویژه برخی از سنی‌ها یا کردها، به دلیل روایت‌های تاریخی و سیاسی، ممکن است پیام‌های رسانه‌ای ایران را نپذیرند – سلطه رسانه‌های غربی در پلتفرم‌های دیجیتال و شبکه‌های اجتماعی که ایران را در انتقال پیام‌های خود با چالش مواجه می‌کند	
تحلیل وضعیت محیط کنشگری رسانه‌ای ایران	به نظر شما، نیازها و ذائقه فرهنگی مردم عراق در تدوین راهبردهای رسانه‌ای ج.ا.ایران در مواجهه با جنگ نرم ایران از چه جایگاهی برخوردار است؟	– سیاست‌گذاری رسانه‌ای زمانی به هدف اساسی خود می‌رسد که مبتنی و منطبق بر بافتار فرهنگی و اجتماعی و نظام مسائل جامعه هدف باشد.	– رصد، پایش و احصاء کشتش فرهنگی و موضوعات رسانه‌ای در عراق – نیازسنجی ذائقه کاوی و ذائقه سازی فرهنگی – رسانه‌ای مبتنی بر اهداف و مأموریت‌ها
سیاست‌های رسانه‌ای ایران	به نظر شما، وضعیت سیاسی، امنیتی، اجتماعی و اقتصادی عراق چگونه تدوین و کاربست سیاست‌های رسانه‌ای ایران در عراق را تحدید می‌کند؟	– محیط کنشگری رسانه‌ای نقش مهم و ویژه‌ای در تمامی مراحل سیاست‌گذاری رسانه‌ای ایفا می‌کند.	– انجام تحلیل وضعیت محیط کنشگری عراق به‌عنوان بستر فعالیت رسانه‌ای ایران

نتایج تحلیل گروه کانونی			
زمینه	سوالات کلیدی	اهم نکات کلیدی کارشناسان	استنباط گزاره تحلیلی
اهداف رسانه‌های ایران در عراق	به نظر شما چه اهداف رسانه‌ای می‌تواند آگاهی عمومی جامعه عراقی را نسبت به اقدامات مثبت ایران در عراق را ارتقا دهند؟	<ul style="list-style-type: none"> - برجسته‌سازی نقش کلیدی ایران در شکست گروه‌های تروریستی مانند داعش و حمایت از امنیت ملی عراق - نشان دادن روابط نزدیک ایران با اقوام و گروه‌های مختلف عراق، از جمله شیعه، سنی، کرد و دیگر گروه‌ها 	<ul style="list-style-type: none"> - مدیریت تصویر - بازنمایی برندینگ ایران - اعتباربخشی نسبت به نقش‌آفرینی ایران در عراق
	به نظر شما چه اهداف رسانه‌ای می‌توانند در جهت تقویت روابط سیاسی ایران و عراق و مقابله با جنگ نرم آمریکا نقش‌آفرینی کنند؟	<ul style="list-style-type: none"> - تأکید رسانه‌ها بر حمایت ایران از یکپارچگی و استقلال عراق و مقابله با تجزیه‌طلبی یا دخالت‌های خارجی - برجسته کردن منافع مشترک ایران و عراق در مسائل امنیتی و سیاسی منطقه، به‌ویژه مقابله با تهدیدات مشترک مانند تروریسم - برجسته‌سازی آسیب‌های ناشی از سیاست‌های آمریکا در عراق، از جمله مشکلات اقتصادی، سیاسی و اجتماعی که حضور آمریکا به همراه داشته است 	<ul style="list-style-type: none"> - ایجاد حس همدلی و همبستگی - تأکید بر اشتراکات فرهنگی و مذهبی - ترویج گفت‌وگو و مقاومت - مقابله با تفرقه‌افکنی - حمایت از دولت مرکزی عراق - تأکید بر روابط دوجانبه ایران و عراق - تقویت هویت ملی و دینی عراق
	چه اهداف رسانه‌ای می‌تواند به مقابله با تفرقه‌های اجتماعی و فرهنگی که توسط رسانه‌های غربی در عراق ترویج می‌شود، کمک کند؟	<ul style="list-style-type: none"> - تأکید بر هویت ملی عراق و اشتراکات تاریخی و فرهنگی بین اقوام و مذاهب مختلف این کشور برای کاهش شکاف‌های اجتماعی - ارائه محتوای خبری و تحلیلی که اهداف پشت پرده ترویج تفرقه توسط رسانه‌های غربی را افشا کند - تأکید بر آموزه‌های اسلامی درباره وحدت و احترام متقابل برای خنثی‌سازی تلاش‌ها جهت ایجاد تفرقه 	<ul style="list-style-type: none"> - مبارزه با افراط‌گرایی و تروریسم - ضریب دهی به جریان‌ات همبسته با ایران در عراق - مقابله با قدرت نرم استکبار جهانی - مقابله با تهدیدات امنیتی آمریکا

نتایج تحلیل گروه کانونی			
زمینه	سؤالات کلیدی	اهم نکات کلیدی کارشناسان	استنباط‌گزاره تحلیلی
اهداف رسانه‌ای ایران در عراق	به نظر شما چه اهداف رسانه‌ای می‌تواند در افزایش آگاهی سیاسی مردم عراق نسبت به عملکرد مخرب آمریکا داشته باشند؟	<ul style="list-style-type: none"> - مستندسازی دخالت‌های تاریخی آمریکا در کشورهای مختلف و پیامدهای منفی آن برای ملت‌ها، از جمله عراق - برجسته‌سازی آسیب‌های اقتصادی و انسانی ناشی از تحریم‌های اعمال‌شده توسط آمریکا علیه مردم عراق - بهره‌گیری از تحلیل‌های نخبگان سیاسی، اقتصادی و اجتماعی عراق برای ارائه دیدگاهی روشن‌تر از سیاست‌های مخرب آمریکا 	<ul style="list-style-type: none"> - مدیریت تصویر - بازنمایی برندینگ ایران - اعتباربخشی نسبت به نقش‌آفرینی ایران در عراق - ایجاد حس همدلی و همبستگی - تأکید بر اشتراکات فرهنگی و مذهبی
	رسانه‌های ایرانی با اتخاذ چه راهبردهایی می‌توانند به افزایش تأثیرگذاری در سیاست‌های داخلی عراق و تضعیف نفوذ آمریکا کمک کنند؟	<ul style="list-style-type: none"> - تقویت همکاری با رسانه‌های محلی عراقی - تقویت تولید محتوای بومی و هدفمند - حمایت از گفتمان استقلال‌طلبی عراق - نمایش دستاوردهای همکاری ایران و عراق 	<ul style="list-style-type: none"> - ترویج گفتمان مقاومت - مقابله با تفرقه‌افکنی - حمایت از دولت مرکزی عراق - تأکید بر روابط دوجانبه ایران و عراق - تقویت هویت ملی و دینی عراق
	چه راهبردهایی برای بهبود تصویری که رسانه‌های غربی از ایران در عراق ارائه می‌دهند، می‌تواند مؤثر باشد؟	<ul style="list-style-type: none"> - تمرکز بر موضوعات مثبت و آینده‌نگر - برجسته کردن نقش ایران در مبارزه با تروریسم - برجسته‌سازی اشتراکات تاریخی و مذهبی 	<ul style="list-style-type: none"> - مبارزه با افراط‌گرایی و تروریسم - ضریب دهی به جریان‌ات همبسته با ایران در عراق
	چه راهبردهای رسانه‌ای می‌تواند برای جلب حمایت نخبگان و نهادهای مردمی عراق از سیاست‌های ایران در منطقه مؤثر باشد؟	<ul style="list-style-type: none"> - استفاده از ظرفیت نخبگان و علمای دینی عراق - ترویج گفتمان مقاومت و استقلال‌طلبی - استفاده از تحلیل‌های نخبگان عراقی - جذب حمایت از طریق رسانه‌های محلی عراق 	<ul style="list-style-type: none"> - مقابله با قدرت نرم استکبار جهانی - مقابله با تهدیدات امنیتی آمریکا

شرح نتایج پژوهش

جریان جنگ نرم آمریکا در عراق

ایالات متحده آمریکا به منظور نیل به اهداف راهبردی خود در منطقه غرب آسیا، با ابتننا بر انگاره قدرت هوشمند، جنگ نرم را خود را در کنار توجه به ابزارهای سخت قدرت در عراق در راستای مدیریت افکار عمومی، تغییر ترجیحات تصمیم سازان و نفوذ فرهنگی به منظور شکل دهی به نظام شناختی مطلوب و مدنظر خود، هدایت و راهبری می کند. نتایج گروه کانونی در کنار اسناد و مطالعات کتابخانه‌ای مؤید این نکته است که کاربست مؤلفه‌ها و انگاره‌های جنگ نرم از سوی ایالات متحده آمریکا، بدل به یکی از راهبردهای اساسی این کشور در مدیریت و کنترل مناسبات و تعاملات با سایر بازیگران در این منطقه است.

جدول ۳. اهداف و راهبردهای جریان جنگ نرم آمریکا در عراق

جریان جنگ نرم آمریکا در عراق		
توصیف	مشخصه‌ها	زمینه
اهداف جنگ نرم آمریکا در عراق تغییرات بنیادین سیاسی، اجتماعی و فرهنگی برای تأمین منافع راهبردی واشنگتن متمرکز است. در حوزه سیاسی، آمریکا با تضعیف گفتمان مقاومت و تقویت جریان‌های وابسته، به دنبال نفوذ در نظام عراق است. در بعد اجتماعی، از رسانه‌ها برای ترویج ارزش‌های غربی و تضعیف فرهنگ سنتی استفاده می‌کند. همچنین، با تشدید اختلافات قومی و مذهبی، هویت ملی عراق را تضعیف کرده و در بعد فرهنگی، رویکرد ضد مقاومت را گسترش می‌دهد.	تضعیف هویت ملی و فرهنگی	اهداف آمریکا از جنگ نرم در عراق
	ترویج فرهنگ غربی و کم‌ارزش کردن فرهنگ بومی	
	ایجاد شکاف میان نسل‌ها و تضعیف سنت‌ها	
	تغییر سبک زندگی عراقی - اسلامی به سبک زندگی آمریکایی	
	ایجاد تفرقه و فضای بی‌اعتمادی عمومی در جامعه عراق	
	تقویت شکاف‌های قومی، مذهبی و اجتماعی	
	القای بی‌اعتباری به دولت و نهادهای اجتماعی	
	تأثیرگذاری بر سیاست‌ها و روند انتخابات از طریق رسانه‌ها	
	حمایت از جنبش‌ها و گروه‌های مخالف دولت در عراق	
	تسلط بر منابع و بازارهای اقتصادی عراق	
	ایجاد بحران‌های اقتصادی از طریق تحریم‌ها و فشارهای اقتصادی	
	ترویج مصرف‌گرایی و وابستگی به واردات کالاهای خارجی	
	ترویج افکار و ایدئولوژی‌های سکولار و مادی‌گرا	
ترویج نسبی‌گرایی اخلاقی و بی‌بندوباری جنسی		

جریان جنگ نرم آمریکا در عراق		
توصیف	مشخصه‌ها	زمینه
<p>– ساخت مدارس و دانشگاه‌های آمریکایی در عراق در تمامی مقاطع منطبق بر فرهنگ آمریکایی</p> <p>– تأسیس مراکز آموزش زبان انگلیسی با محوریت سفارت آمریکا</p> <p>– اعزام دانشجویان تحصیلات تکمیلی عراقی به آمریکا در جهت کادرسازی برای عراق آینده</p> <p>– ایجاد مراکز فرهنگی و تفریحی نظیر؛ آموزش رقص و موسیقی با محوریت زنان و دختران</p>	تغییر سبک زندگی اسلامی	راهبردهای جنگ نرم آمریکا در عراق
	ترویج اباحه‌گری	
	تبلیغ و ترویج سبک زندگی غربی	
	جذب نخبگان	
	ارزش‌زدایی از دین	
	ترویج افکار و ایدئولوژی‌های سکولار و مادی‌گرا	
<p>– خروج نظامی از عراق بر طبق برنامه مشترک کمیته عالی هماهنگی HCC و تقلیل به حضور حداقلی با تأکید بر استراتژی‌ی احاله مسئولیت</p> <p>– تأکید بر خلع سلاح گروه‌های مسلح شبه‌دولتی. به‌زعم آمریکا مهم‌ترین مسئله امنیتی در عراق، فقدان انحصار استفاده سلاح توسط دولت رسمی است.</p> <p>– ادغام شبه‌نظامیان در سازوکارهای رسمی نظامی و امنیتی</p> <p>– تعیین و تکلیف خانواده‌های بازمانده داعشی ساکن در اردوگاه الهول واقع در سوریه</p> <p>– حمایت سیاسی از جریان‌ات و احزاب همسو با غرب</p> <p>– مهندسی افکار عمومی و تقویت جریان‌ات سیاسی همسو با غرب</p> <p>– ترغیب عراق به تعمیق روابط با متحدین آمریکا در منطقه به‌ویژه عادی‌سازی با اسرائیل</p>	مقابله با محور مقاومت	
	بازتولید بحران‌های امنیتی	
	مهندسی سیاسی افکار عمومی	
	عادی‌سازی روابط با رژیم صهیونیستی	
	ایران هراسی	

جریان جنگ نرم آمریکا در عراق		
توصیف	مشخصه‌ها	زمینه
<p>– کنترل بر نقل و انتقالات مالی و پولی عراق به منظور بهره‌برداری سیاسی در مناسبات منطقه‌ای عراق</p> <p>– رصد و محدودیت بر مکانیسم‌های تأمین مالی گروه‌های مسلح مخالف آمریکا</p>	کنترل مالی و بانکی مخالفین سیاسی	
<p>– کنترل سیاسی بر عراق به منظور ناتوانی در کمک به سازوکارهای دور زدن تحریم جمهوری اسلامی ایران</p> <p>– تلاش در جهت ادغام عراق در کارزارهای همکاری‌های اقتصادی غرب در منطقه نظیر؛ تعمیق روابط با شورای همکاری خلیج فارس به عنوان متحدین همسو</p>	ادغام در سیستم‌های همکاری اقتصادی منطقه‌ای	
<p>– تأکید بر مبارزه با فساد و ادغام نئولیبرالی عراق در اقتصاد جهانی به ویژه نظام بانکی عراق در گام اول تا سال ۲۰۳۰ و گام نهایی سال ۲۰۴۰</p> <p>– بسط و تعمیق روابط اقتصادی دوجانبه به ویژه قراردادهای نفتی، استخراج، استحصال و تولید فرآورده‌های نفتی</p> <p>– تلاش در جهت ادغام شبکه برق‌رسانی عراق در شبکه برق شورای همکاری خلیج فارس و اردن به منظور کاهش وابستگی به ایران تا سال ۲۰۳۰</p>	ادغام در سیستم‌های همکاری اقتصادی منطقه‌ای	
<p>– کاهش وابستگی اقتصادی به ایران</p> <p>– تلاش در جهت ادغام شبکه برق‌رسانی عراق در شبکه برق شورای همکاری خلیج فارس و اردن به منظور کاهش وابستگی به ایران تا سال ۲۰۳۰</p>	کاهش وابستگی اقتصادی به ایران	
<p>– ترغیب عراق به کاهش وابستگی به گاز ایران از طریق توسعه روابط و انتقال انرژی از شورای همکاری خلیج فارس</p> <p>– تسلط کامل بر مناسبات پولی ایران و عراق و اطمینان از رعایت تحریم‌های اعمالی آمریکا علیه ایران توسط عراق</p> <p>– ایجاد تهدید در امنیت اقتصادی ایران و شکاف در روابط ایران و عراق با ترغیب و تشویق عراق به تکمیل کردور راه توسعه</p>	افزایش وابستگی به متحدین آمریکا در منطقه	
<p>– ایجاد تهدید در امنیت اقتصادی ایران</p>	ایجاد تهدید در امنیت اقتصادی ایران	

اهداف راهبردی سیاست‌گذاری رسانه‌ای ایران در عراق

مدیریت تصویر کشور

تصویر و جایگاه یک کشور در اذهان جوامع خارجی از اهمیت ویژه‌ای در سیاست‌گذاری برخوردار است، چراکه واکنش افکار عمومی نسبت به اقدامات دولت پیامدهای منطقه‌ای و جهانی به همراه دارد. امروزه دولت‌ها آگاه‌اند که کنش‌های هوشمندانه می‌توانند وجهه بین‌المللی را ارتقا دهند؛ در مقابل، کنش‌های نسنجیده خسارت‌های جبران‌ناپذیری به همراه دارند (هادیان و سعیدی، ۱۳۹۲: ۴۴). مدیریت تصویر از طریق دستکاری ادراک مخاطبان اهمیت بیشتری نسبت به تغییر واقعیات دارد و رسانه‌ها نقش تعیین‌کننده‌ای در این زمینه ایفا می‌کنند (Szondi, 2009: 299-308). از این رو، رسانه‌های هدفمند می‌توانند در ارتقای وجهه کشور مؤثر باشند؛ در حالی که ساختار رسانه‌ای غرب در عراق، ایران را به‌عنوان تهدید و عامل امنیتی‌سازی معرفی می‌کند. سیاست‌گذاری رسانه‌ای ایران در عراق باید بر مبنای ارزش‌ها و منابع هویتی مشترک بنا شود.

بازنمایی برندینگ ایران

ایده اصلی بازنمایی، شکاف میان واقعیت و تصویری است که رسانه منتقل می‌کند؛ یعنی خلق تصویر مطلوب و تحمیل آن بر مخاطب، صرف‌نظر از تطابق با حقیقت (بشیر و رحمانی، ۱۳۹۷: ۳۷). رسانه‌ها در شکل‌گیری آگاهی و درک عمومی از جهان نقش واسطه‌ای دارند و بازنمایی، ساخت واقعیت بر اساس چارچوب‌های مفهومی و گفتمانی است (مهدی‌زاده، ۱۳۸۷: ۱۵). در این روند، روابط قدرت و گفتمان بازنمایی را تقویت می‌کنند (بشیر و رحمانی، ۱۳۹۷: ۳۸). به گفته بودریار، در عصر پساتجدد، مرز میان واقعیت و بازنمایی محو شده و تصاویر رسانه‌ای حتی واقعی‌تر از خود واقعیت به نظر می‌رسند (هادیان و سعیدی، ۱۳۹۲: ۴۵ به نقل از: بشیریه، ۱۳۸۵). همچنین، در جنگ نرم آمریکا علیه عراق، رسانه‌های آمریکایی حقیقت را تحریف و تصویری هدفمند از عراق ارائه می‌دهند؛ بنابراین، سیاست رسانه‌ای جمهوری اسلامی ایران در عراق باید با تکیه بر گفتمان اسلامی-انقلابی، تصویر مطلوب از خود و تحولات عراق را مدیریت کند.

اعتباربخشی نسبت به نقش‌آفرینی ایران در عراق

رسانه‌ها با افزایش اعتبار دولت‌ها در میان جوامع خارجی، قدرت پیشبرد سیاست‌های خارجی را بالا می‌برند؛ هرچه اعتبار بالاتر، نیاز به ابزارهای قدرت سخت کمتر می‌شود (هادیان و سعیدی، ۱۳۹۲: ۴۶). دانیل اُکیفه اعتبار را «قضایات مخاطب

درباره باورپذیری عامل ارتباط‌دهنده» تعریف می‌کند (-155, 2009, Gass and Seiter, 156)؛ بنابراین، هدف رسانه‌ای ایران در عراق، ایجاد اعتبار در حوزه‌های فرهنگی، سیاسی، امنیتی و اقتصادی و مقابله با تحریفات رسانه‌ای غرب جهت امنیتی‌سازی کنگشری است.

تقویت هویت ملی و دینی عراق

یکی از مهم‌ترین بحران‌های شناختی در عراق، بحران هویت ملی و نقصان در پروژه دولت-ملت سازی در این کشور است. عراق کشوری است که براساس قرارداد ساینس-پیکو در پی فروپاشی امپراتوری عثمانی شکل گرفت به نحوی که جغرافیای سیاسی آن با مرزهای قومیتی و نژادی در آن رابطه ارگانیک و همبسته ندارد و اقوام مختلف بدون هیچ‌گونه هویت ملی مشترک با تحمیل استعمار بریتانیا در قرن بیستم در کنار یکدیگر عراق را شکل داده‌اند. عملکرد فاجعه بار رژیم بعث با پروژه تعریف اجباری جامعه عراق نیز، منجر به فجایع انسانی و نقص گسترده حقوق بشر در عراق شده که بر شکاف دولت - ملت در عراق افزود. جمهوری اسلامی ایران به‌عنوان یکی از مهم‌ترین کشورهای همسایه عراق، بایستی تلاش کند تا از طریق سیاست‌های رسانه‌ای خود به تقویت هویت ملی و دینی در عراق به‌عنوان یک ضرورت امنیت ملی بپردازد چراکه تقویت هویت ملی و دینی عراق نقش ویژه‌ای در مقابله با جریان جنگ نرم آمریکا در عراق خواهد داشت.

ضریب دهی به جریان‌ات همبسته با ایران در عراق

پس از سقوط صدام، روابط گسترده‌ای بر مبنای پیشینه مشترک تاریخی، هویتی و تمدنی میان دو کشور شکل گرفت و هم‌زمان با تکامل ساختار سیاسی جدید در عراق با محوریت نقش‌آفرینی شیعیان، فرصت بی‌نظیری در جهت کنشگری نرم ایران در عراق فراهم آورد. در نقطه مقابل یکی از اهداف جنگ نرم آمریکا در عراق، ضدیت با جنبش‌ها، احزاب و جریان‌ات سیاسی همسو با ایران در عراق است. در این چارچوب تقویت و ضریب دهی به جریان‌ات همبسته با ایران در عراق به یکی از اهداف محوری سیاست‌گذاری رسانه‌ای در عراق، قرار می‌گیرد. از طرفی ممانعت از ایجاد یک دولت سکولار با گرایش‌های ناسیونالیستی عربی در عراق که می‌تواند به‌عنوان پایگاهی برای مخالفت با منافع ایران عمل کند (عباسی، ۱۳۹۸) نیز جایگاه محوری در تدوین استراتژی رسانه‌ای ایران در عراق دارد.

مقابله با قدرت نرم استکبار جهانی

استکبار جهانی جنگی هوشمند علیه محور مقاومت به‌راه انداخته و عراق، به‌دلیل نقش کانونی در نظم منطقه‌ای ایران، مرکز ثقل تحولات است. برای خنثی‌سازی جنگ نرم آمریکا، باید از طریق سیاست‌گذاری رسانه‌ای بنیان‌های نرم استکبار در عراق تضعیف شود تا اذهان تسخیر نگردد. استکبار جهانی با رسانه و فضای مجازی، حس تحقیر و ناامیدی را گسترش داده و سبک زندگی را دگرگون می‌کند. ایران باید با الزامات سلبی و ایجابی، الگوهای استکباری را بی‌اعتبار سازد و روحیه استکبارستیزی را تقویت نماید.

مقابله با تهدیدات امنیتی آمریکا

حضور نظامی آمریکا در عراق و تلاش‌های این کشور برای گسترش نفوذ خود، تهدیدی جدی برای امنیت ملی ایران محسوب می‌شود. سیاست رسانه‌ای باید در جهت خنثی‌سازی این تهدیدات عمل نماید. (حسینی و همکاران، ۱۴۰۱). برجسته‌سازی ابعاد مخرب حضور آمریکا در عراق، غارت منابع ملی عراق توسط شرکت‌های آمریکایی به‌ویژه در حوزه نفت، نقض حقوق بشر، تغییر در سبک زندگی اسلامی و عربی، تولید و بازتولید نزاع‌های قومیتی و مذهبی و تلاش در جهت تضعیف و تجزیه عراق، نمونه‌هایی از اقدامات مخرب آمریکا در عراق است که در فرآیند تدوین و اجرای استراتژی رسانه‌ای ایران در عراق بایستی مطمح نظر قرار گیرد.

توصیه‌های راهبردی

سیاست‌گذاری رسانه‌ای جمهوری اسلامی ایران در عراق، نمی‌تواند بدون در نظر گرفتن مختصات و بافتار سیاسی و اجتماعی حاکم بر جامعه عراق، به سرمنزل مقصود نائل آید. توجه به محدودات و مقدرات محیطی عراق، سیاست‌گذاری هوشمندانه و مدبرانه در عرصه رسانه‌ای را با توجه به ویژگی‌های خاص کشور عراق، نظیر؛ قومیت‌گرایی شدید، بی‌ثباتی فزاینده سیاسی و اقتصادی، بیکاری گسترده جوانان، نفوذ قدرت‌های بزرگ منطقه‌ای و بین‌المللی، عدم اجماع میان نخبگان سیاسی، خطر تجزیه، بحران‌های اجتماعی و زیست‌محیطی متعدد و... را ایجاب می‌کند. رسانه‌های ایرانی در عراق به‌منظور تقابل با جنگ نرم آمریکا در این کشور بایستی در رقابت شدید رسانه‌ای، نیازهای فرهنگی مردم این کشور را برطرف نماید. در این راستا، پس از مذاقه در ظرفیت‌ها و پتانسیل‌های رسانه‌ای، در کنار بررسی چالش‌ها و تهدیدات این عرصه، توصیه‌های راهبردی در جهت سیاست‌گذاری رسانه‌ای بهینه جمهوری اسلامی ایران در تقابل با جنگ نرم آمریکا در عراق تبیین می‌گردد.

مکانسیم‌های آفندی

مدیریت تصویر و برند ایران در عراق

مدیریت تصویر و برندینگ یک کشور در اذهان جامعه دیگر، به یکی از مکانسیم‌های تولید و بازتولید قدرت ملی در عصر حاضر بدل گردیده است. تصویر و ذهنیت مردم عراق نسبت به ایران ناپستی خارج از تعریف دوست و یاور عراق، در دوران سخت باشد. این ذهنیت که جمهوری اسلامی ایران، عراق را محل منازعه و تسویه حساب با قدرت‌های منطقه‌ای نموده و باعث بی‌ثباتی در عراق گردیده است و یا ایران با دیگر قدرت‌های منطقه‌ای و بین‌المللی در عراق تفاوتی در رویکرد نداشته و به دنبال تسلط بر عراق است، برای سیاست‌گذاری رسانه‌ای و قدرت نرم کشور بسیار آسیب‌زاست. ایجاد حس همدمی و همبستگی به منظور بازنمایی تصویر ایران در عراق یکی از جنبه‌های ایجابی محوری در راهبرد آفندی رسانه‌ای در تقابل با جنگ نرم آمریکا در عراق است.

تقویت هویت ملی عراق

بزرگ‌ترین چالش سیاسی و امنیتی کشور عراق، چاره‌جویی برای بحران دولت-ملت در این کشور است. بی‌ثباتی سیاسی و خطر تجزیه عراق، بنیان‌های امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران را با خطر جدی مواجه می‌نماید. در این راستا، سیاست‌گذاری رسانه‌ای در عراق بایستی مبتنی بر انگاره تقویت و برساخت هویت ملی در عراق، باشد. قومیت‌گرایی‌های افراطی، انشقاق سیاسی، تفرقه و درگیری‌های مذهبی و قومی، هویت ملی در عراق را به حاشیه برده و خرده هویت‌ها را در بطن تحولات اجتماعی و سیاسی عراق جای داده است. در این راستا، رسانه بایستی تقویت هویت ملی در عراق و نقش آمریکا در تخریب و تضعیف این مهم را به‌عنوان یک جنبه ایجابی مهم مطرح نظر قرار دهد.

تثبیت و تقویت نقش خانواده در مقابله با تهاجم فرهنگی

خانواده به‌عنوان نهاد اصلی اجتماعی، در شکل‌دهی به ارزش‌ها و هویت فرهنگی نقش محوری دارد. در مقابله با جنگ نرم آمریکا در عراق، سیاست رسانه‌ای ایران باید بر تقویت و تثبیت خانواده متمرکز شود تا از تضعیف نهاد خانواده جلوگیری کرده و باورهای سنتی و اسلامی حفظ شود. رسانه‌های ایرانی با ارائه محتوای آموزشی، فرهنگی و تربیتی، الگوهای مثبت خانوادگی و نقش والدین در تربیت نسل جدید را برجسته می‌کنند و خطرات نفوذ فرهنگی غربی را به‌خوبی نشان می‌دهند. این راهبرد منجر به تقویت هویت ملی و

دینی و حفظ انسجام اجتماعی در برابر تهدیدات فرهنگی می‌شود.

تولیدات رسانه‌ای با محوریت سرگرمی

یکی از ضعف‌های اساسی رسانه‌ای ایران در عراق و در نقطه مقابل نقطه قوت رسانه‌ای آمریکا، تولیدات رسانه‌ای با محوریت سرگرمی است. متأسفانه در این خصوص خلأ جدی در راهبردهای رسانه‌ای ایران مشهود است. تمرکز جنگ نرم آمریکا بر تغییر سبک زندگی از طریق تولیدات فرهنگی با محوریت سرگرمی است. در حالی که عموماً فعالیت رسانه‌ای ایران معطوف به تولیدات خبری، برنامه‌های مذهبی و بعضاً دوبله عربی چند برنامه تلویزیونی ایران از طریق شبکه ifilm است. سیاست‌گذار رسانه‌ای بایستی در پی برطرف کردن نیازهای فرهنگی عراق از آبخور رسانه‌های ایرانی باشد. در غیر این صورت، این نیاز توسط رسانه‌های غیرهمسو با ایران پر خواهد شد.

افشا و برجسته‌سازی تاریخچه مخرب روابط آمریکا و عراق

تاریخچه روابط آمریکا با عراق، نقش مخرب این کشور در عراق را نشان می‌دهد. تحریم‌های ویرانگر اقتصادی، غارت منابع، گروگان‌گیری درآمد نفتی، ترویج سبک زندگی غربی منحط، ولنگاری، سکولاریسم و تضعیف باورهای دینی، به همراه ایجاد بی‌ثباتی سیاسی، تروریسم، اشغال غیرمشروع و جنایات ضدحقوق بشری، زمینه تولید محتوای رسانه‌ای در عراق را فراهم کرده است؛ بنابراین، هر جنبه از حضور مخرب آمریکا در عراق باید در سیاست‌گذاری رسانه‌ای ایران مورد توجه قرار گیرد تا از طریق باورافزایی نسبت به نقش منفی آمریکا و اعتبارزدایی از الگوهای غربی، مقابله مؤثری صورت گیرد.

برجسته‌سازی افول آمریکا

افول هژمونیک ایالات متحده آمریکا به یکی از مناظرات نظری پراستناد در عرصه روابط بین‌الملل بدل گردیده است. ظهور قدرت‌های نوظهوری همچون؛ چین و هند، ائتلاف‌های منطقه‌ای و بین‌المللی نظیر؛ شانگهای و بریکس، گواه از پایان عصر یک‌جانبه‌گرایی و افول هیمنه و افسانه شکست‌ناپذیری آمریکا دارد. برجسته‌سازی شکست‌ها و معضلات عدیده اقتصادی و اجتماعی ایالات متحده آمریکا، گسترش فقر و فساد در جامعه آمریکایی و تردید افکنی نسبت به ناتوانی آمریکا برای فائق آمدن بر بحران خانواده، فقر، بحران بدهی و کسری تراز تجاری و... به‌منظور آگاهی بخشی به جامعه عراقی، بایستی به یکی از مکانیسم‌های محوری سیاست‌گذاری رسانه‌ای ج.ا.ایران بدل گردد.

استفاده از فناوری‌های نوین ارتباطی و شناختی

استفاده از فناوری‌های نوین همانند؛ بیگ دیتا، ماشین لرنینگ و هوش مصنوعی در کنار کاربست علوم شناختی، امکان تحلیل دقیق الگوهای اجتماعی، سیاسی و فرهنگی را فراهم می‌کند. این ابزارها به طراحی پیام‌های رسانه‌ای مؤثرتر و هدفمندتر کمک کرده و استراتژی‌های ارتباطی را با تحلیل واکنش‌های عاطفی مخاطبان بهبود می‌بخشند. در نهایت، ادغام این فناوری‌ها در سیاست‌گذاری رسانه‌ای ایران، اکوسیستم اطلاعاتی پایدار و مقاومی در برابر تهدیدات جنگ نرم آمریکا در عراق ایجاد می‌کند.

مکانیسم‌های پدافندی

مکانیسم‌های پدافند رسانه‌ای در مقابله با جنگ نرم آمریکا در عراق، بایستی استراتژی‌ها و راهبردهایی را دربرگیرد که بتوانند تأثیرات منفی رسانه‌های آمریکایی را کاهش داده و باورها و ارزش‌های بومی را تقویت کنند. در ادامه چند راهبرد کلیدی پیشنهاد می‌شود:

آگاهی بخشی نسبت به جنگ رسانه‌ای آمریکا

یکی از مکانیسم‌های رسانه‌ای آمریکا، پخش گسترده شایعات، اطلاعات جهت‌دار و تحریف واقعیت است. در واقع ایالات متحده آمریکا با این تکنیک به دنبال برسازي واقعیت تحریف شده در اذهان مردم عراق در راستای مطامع سیاسی خود علیه ایران است. افشا و برجسته‌سازی تحریفات و اطلاعات جهت‌دار یکی از مکانیسم‌های اساسی در مقابله با جنگ رسانه‌ای آمریکا در عراق است. در این راستا ترویج و توسعه فرهنگ رسانه‌ای در میان مردم عراق از اهمیت شایانی برخوردار است.

همکاری با رسانه‌های همسو

غرب و به‌ویژه آمریکا از ظرفیت‌های فراوانی در قدرت رسانه‌ای، به‌واسطه پشتوانه عظیم مالی، در مدیریت افکار عمومی برخوردار است. بدیهی است که توان رسانه‌ای جمهوری اسلامی ایران به‌تنهایی قادر به هماورد با ابزارهای جنگ نرم آمریکا نیست. در این راستا با تشریک مساعی، تقویت و ضریب دهی به رسانه‌های همسو عراقی و منطقه‌ای می‌توان جبهه واحدی در مواجهه با جنگ رسانه‌ای آمریکا شکل داد. در این زمینه می‌توان به رسانه «الجزیره» قطر اشاره نمود که در موضوع فلسطین و تقابل با رژیم صهیونیستی منافع همسو با جمهوری اسلامی ایران دارد. به‌عبارت‌دیگر می‌توان با ایجاد یک شبکه ائتلاف رسانه‌ای باهدف انتقال تجربیات و تبادل اطلاعات، شامل؛ رسانه‌های ایرانی، عراقی و منطقه‌ای در تقابل با جنگ نرم آمریکا در عراق توازن ایجاد نمود.

شبکه‌سازی نخبگانی در عراق

شبکه‌سازی نخبگانی در عراق به‌عنوان یک راهبرد پدافندی مؤثر می‌تواند به شکل‌گیری یک ساختار قوی در برابر تهدیدات رسانه‌ای و جنگ نرم آمریکا کمک کند. این شبکه به شناسایی و ارتباط‌گیری با نخبگان و فعالین رسانه‌ای در عراق وابسته است، به‌طوری‌که این افراد با داشتن دانش و تسلط بر مسائل اجتماعی، فرهنگی و سیاسی کشور می‌توانند به‌عنوان پل ارتباطی میان ایران و جامعه عراقی عمل کنند. این ارتباط‌گیری نه‌تنها به تبادل اطلاعات و تحلیل‌های به‌روز کمک می‌کند، بلکه باعث می‌شود که ایران بتواند پیام‌های خود را به‌طور مؤثری به افکار عمومی منتقل کند و در مقابل روایت‌های رقیب ایستادگی کند. در این راستا، توانمندی‌ها و نفوذ نخبگان محلی در جهت تقویت مواضع ایران و شفاف‌سازی موضوعات کلیدی نقش بسزایی دارد.

با توجه به شرایط پیچیده سیاسی و اجتماعی عراق، ایجاد یک شبکه منسجم از نخبگان و فعالین رسانه‌ای می‌تواند به‌عنوان یک ابزار کلیدی در جنگ رسانه‌ای علیه سیاست‌های آمریکا عمل کند. این شبکه باید قادر باشد تا با سرعت و کارآمدی به تحولات اجتماعی و سیاسی پاسخ دهد و به نخبگان کمک کند تا در تصمیم‌گیری‌های خود از تحلیل‌های معتبر و به‌روز استفاده کنند. به‌این‌ترتیب، این شبکه نه‌تنها می‌تواند به‌عنوان یک منبع اطلاعاتی عمل کند، بلکه به افزایش همبستگی اجتماعی و سیاسی در داخل عراق نیز کمک خواهد کرد. درنهایت، شبکه‌سازی نخبگانی می‌تواند به تقویت مواضع ایران و مقابله با چالش‌های پیش‌رو در منطقه به‌ویژه در برابر جنگ نرم و فعالیت‌های رسانه‌ای رقیب، منجر شود.

ترویج فرهنگ و سبک زندگی اسلامی

قرآن کریم در مواجهه با فتنه‌ها و تهاجمات فرهنگی، به ما می‌آموزد که بهترین دفاع در مقابل تهاجمات فرهنگی حمله است (بقره، آیه ۱۹۳). مبانی حکمی و توحیدی در مواجهه با اقدامات دشمنان، اولاً دوری از تفرقه و همبستگی آحاد جامعه اسلامی را توصیه می‌کند (آل‌عمران، آیه ۱۰۹) و ثانیاً به تقویت ابزارها و توانمندی‌های کنش در محیط عملیاتی دستور می‌دهد (انفال، آیه ۶۰). چراکه دشمنان جامعه اسلامی زمانی دست از فتنه‌گری و تهاجمات خود دست برمی‌دارند که مطمئن شوند راهبردهای آنان به دلیل استحکام بنیان‌های فرهنگی جامعه اسلامی ره بجایی نخواهد برد. در این چارچوب، ترویج سبک زندگی اسلامی در جامعه عراق، خود یک سپردفاعی مستحکم در مقابل با جنگ نرم آمریکا در این کشور است. ترویج و تقویت بنیان‌های دینی و فرهنگی اصیل عراق و اعتبارزدایی

از سبک زندگی منحط غربی، بایستی محور اساسی در تدوین سیاست‌گذاری رسانه‌ای ج.ا.ایران در تقابل با جنگ نرم آمریکا در این کشور باشد.

نتیجه‌گیری و پیشنهادها


یافته‌های پژوهش حاضر نشان‌دهنده اهمیت بنیادین سیاست‌گذاری رسانه‌ای جمهوری اسلامی ایران در مواجهه با جنگ نرم ایالات متحده آمریکا در عراق است. جنگ نرم، به‌عنوان یکی از ابزارهای اصلی قدرت‌های بزرگ، باهدف تغییر نگرش‌ها و ارزش‌های جوامع هدف و مدیریت رفتار سیاسی آنان طراحی شده است. در این راستا، سیاست‌گذاری رسانه‌ای جمهوری اسلامی ایران باید به‌گونه‌ای طراحی شود که نه تنها در برابر تأثیرات این نوع جنگ‌ها ایستادگی کند، بلکه بتواند از فرصت‌های ناشی از پیوندهای فرهنگی، تاریخی و مذهبی ایران و عراق برای تقویت جایگاه و نفوذ خود بهره‌برد. سیاست‌گذاری رسانه‌ای جمهوری اسلامی ایران در مواجهه با جنگ نرم باید به‌عنوان بخشی از یک راهبرد جامع‌تر برای تقویت قدرت نرم کشور در عراق و منطقه غرب آسیا مورد توجه قرار گیرد. این سیاست‌گذاری باید شامل سه محور اصلی باشد: نخست، بهره‌گیری از ابزارهای پیشرفته تحلیل افکار عمومی برای درک بهتر فضای اجتماعی عراق؛ دوم، تولید و ترویج محتوای رسانه‌ای مبتنی بر ارزش‌های مشترک فرهنگی و مذهبی؛ و سوم، تقویت تعاملات فرهنگی و رسانه‌ای ایران و عراق به‌منظور ایجاد همگرایی بیشتر. اتخاذ این رویکرد می‌تواند علاوه بر کاهش اثرگذاری جنگ نرم دشمن، به تقویت هویت مشترک میان دو ملت و ارتقای جایگاه راهبردی ایران در منطقه منجر شود. در این چارچوب با توجه به بافتار پیچیده عراق پس‌اصدام که با تنوع قومی، مذهبی و ظهور شکاف‌های اجتماعی نوپدید همراه است، تدوین راهبردهای رسانه‌ای نیازمند شناخت دقیق شرایط فرهنگی و اجتماعی هر منطقه است. این پژوهش بر ضرورت ایجاد یک مرکز تخصصی افکارکاوی در عراق تأکید دارد که بتواند تحلیل‌های منسجم و دقیقی از تحولات افکار عمومی ارائه دهد. چنین مرکزی با مطالعه دقیق ویژگی‌های بومی هر منطقه، می‌تواند سیاست‌هایی متناسب با حساسیت‌ها و نیازهای اجتماعی عراق طراحی کند. این اقدام علاوه بر افزایش اثربخشی سیاست‌های رسانه‌ای ایران، امکان مقابله نظام‌مند با جنگ نرم ایالات متحده را نیز فراهم می‌آورد.

متأسفانه باوجود قربت‌های فرهنگی، تاریخی، سیاسی و امنیتی بی‌شمار میان ایران


و عراق و فعالیت ده‌ها نهاد نمایندگی و سازمان تبلیغاتی و سیاسی در این کشور، جمهوری اسلامی ایران از وجود یک مرکز تخصصی افکار سنجی در عراق محروم است. چراکه به واسطه تنوع، پیچیدگی و گستردگی قومی و مذهبی کشور عراق هر سیاستی بایستی به فراخور و شرایط ویژه هر منطقه از عراق طراحی گردد. ایجاد یک مرکز افکار سنجی با کمک نمایندگی‌های سیاسی و تبلیغاتی ایران در عراق، سیاست‌گذار را از تاریکی بی‌اطلاعی نسبت به تحولات روز عراق خارج می‌نماید. برای مثال: افکار و نظر آحاد جامعه عراق به دلیل پیچیدگی‌های سیاسی، قومی و مذهبی نسبت به ایران، حضور نظامیان خارجی در این کشور، تحولات منطقه‌ای، رژیم صهیونیستی و... بشدت متفاوت و متنوع است. در نتیجه، به منظور تقویت و ضریب دهی به جریان‌ات و تحولات همسو و از طرفی اقدامات سلبی و آفندی علیه جریان‌ات غیرهمسو، وجود یک مرکز پایش و رصد به‌عنوان دیدبان اتاق فکر سیاست‌گذاری، از استلزامات و اقتضائات فعالیت در این کشور است. این مرکز چهار وظیفه کلی را انجام می‌دهد؛ الف) افکارکاوای نسبت به مسائل و مشکلات، حوادث، رویدادها و اقدامات ایران و سایر کشورها به‌ویژه آمریکا در عراق، ب) نیازسنجی نسبت به اهم مطالبات و ترجیحات مردم محیط اجتماعی و سیاسی عراق، ج) جمع‌آوری اطلاعات حیاتی و مهم که نیاز دستگاه سیاست‌گذاری در کشور است و د) رصد و پایش لحظه‌ای رویدادها، مسائل و جریان‌ات سیاسی، امنیتی، اجتماعی و اقتصادی در عراق. با توجه به آمایش سرزمینی کشور عراق، این مرکز بایستی در تمامی استان‌های مهم و محوری عراق نظیر؛ سلیمانیه، اربیل، دیاله، نینوا، بصره، ذی قار، کربلا، نجف، بغداد و الانبار حضور مؤثر داشته و به پایش لحظه‌ای محیط عملیاتی بپردازد. در این مسیر می‌توان با هم‌افزایی و همکاری بین بخشی، میان، سفارتخانه و دفاتر نمایندگی ایران در عراق و دیگر سازمان‌های سیاسی، نظامی و تبلیغاتی، نسبت به راه‌اندازی مرکز جامع افکارکاوای در عراق همت گمارد.

تعارض منافع

تعارض منافع ندارم.

Seyed Ali Olfati  <https://orcid.org/0009-0003-9065-6010>

Ali Rabiei  <https://orcid.org/0000-0001-8612-4175>

AbdolRahim Rahimi  <https://orcid.org/0000-0001-7861-8634>

Mashallah valikhani dehaghani  <https://orcid.org/0000-0003-4508-3519>

منابع و مأخذ

- امیدی، علی (۱۳۹۸). تأثیر قدرت نرم ایالات متحده آمریکا بر افزایش نفوذ این کشور در عراق، یافته‌ها: استراتژی‌های قدرت نرم آمریکا پس از ۲۰۰۳.
- بشیر، حسن و محمد رحمانی (۱۳۹۷). بازنمایی رسانه‌ای و تصویرسازی: مبانی نظری و مفاهیم. فصلنامه مطالعات رسانه‌ای، ۱۳ (۲)، ۳۵-۵۰.
- بشیریه، حسین (۱۳۸۵). جامعه‌شناسی سیاسی، تهران: نشر نی.
- تقی‌پور، تیرداد (۱۴۰۰). پیامدهای سیاسی امنیتی حضور آمریکا در عراق، یافته‌ها: تحلیل اثرات حضور آمریکا در سیاست داخلی و خارجی عراق.
- حسینی، مرتضی و همکاران (۱۴۰۱). تهدیدات امنیتی آمریکا در عراق و راهکارهای مقابله جمهوری اسلامی ایران، فصلنامه مطالعات امنیتی، ۲۸ (۳)، ۷۵-۹۵.
- حیدری، نصرت‌الله (۱۴۰۱). تأثیر حضور نیروهای آمریکایی در عراق جدید بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران، یافته‌ها: نقش قدرت سخت و نرم آمریکا در تهدید امنیت ملی ایران.
- خوشایند، حمید (۱۴۰۰). استراتژی آمریکا برای تقویت نفوذ نرم خود در عراق، یافته‌ها: اقدامات آمریکا در گسترش نفوذ فرهنگی و نرم در عراق.
- زحلی، رضا و رضا موسی‌زاده (۱۳۹۹). رویه ایالات متحده آمریکا در جنگ نرم علیه ایران با رویکرد حقوق بشر، یافته‌ها: استراتژی‌های آمریکا برای جنگ نرم.
- عباسی، علی (۱۳۹۸). تحلیل سیاست‌های رسانه‌ای ایران در عراق پس از سقوط صدام، فصلنامه سیاست خارجی، ۳۱ (۴) ۱۲۰-۱۴۰.
- غفاری قدیر، جلال، مرادجانی، معصومه و جمال‌الدین حسینی (۱۳۹۷). سیاست‌های مطلوب رسانه‌ای با رویکرد دیپلماسی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران، یافته‌ها: تحلیل سیاست‌های شبکه هیسپان تی‌وی.
- مهدی‌زاده، حسن (۱۳۸۷). نقش رسانه‌ها در شکل‌دهی به افکار عمومی، فصلنامه پژوهش‌های ارتباطی، ۱۵ (۱)، ۳۰-۱۵.
- نیک‌روش، ملیحه (۱۴۰۱). منابع قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران در عراق جدید، یافته‌ها: بررسی تأثیر جغرافیایی، اشتراکات قومی، زبانی و فرهنگی میان ایران و عراق در افزایش قدرت نرم جمهوری اسلامی.
- هادیان، ناصر و رضامیر سعیدی (۱۳۹۲). از دیپلماسی عمومی سنتی تا دیپلماسی عمومی نوین: رویکردی هابرماسی، فصلنامه راهبرد، ۲۲ (۶۸)، ۲۳-۶۱، بازیابی از پرتال جامع علوم انسانی.
- Abbasi, A. (2019). Analyzing Iran's media policies in Iraq after the fall of Saddam. *Foreign Policy Quarterly*, 31(4), 120-140. [in Persian]
- Al-Rawi, A. (2020). *Media Practice in Iraq*. Palgrave Macmillan.
- Al Jazeera English. (2017). *Iran's Regional Media Role in Soft War Policies*. Findings: Examination of Iran's soft war strategies.
- Bashir, H., & Rahmani, M. (2018). Media representation and imaging: Theoretical foundations and concepts. *Media Studies Quarterly*, 13(2), 35-50. [in Persian]
- Bashirch, H. (2006). *Political sociology*. Tehran: Ney Publishing. [in Persian]

- Braun, V., & Clarke, V. (2006). Using thematic analysis in psychology. *Qualitative Research in Psychology*, 3(2), 77-101.
- Blout, E. L. (2017). *Soft War: Myth, Nationalism, and Media in Iran*. Findings: Critique of Iran's portrayal of external conspiracies.
- Brooking, E. T., & Kianpour, S. (2020). *Iran's Media Influence Efforts*. Findings: Analysis of Iran's digital media operations in foreign policy.
- Cull, N. J. (2009). *Public Diplomacy: Lessons from the Past*. Figueroa Press.
- Ehteshami, A. (2021). *Dynamics of Change in the Persian Gulf: Political Economy, War and Revolution*. Routledge.
- Flew, T. (2016). *Entertainment media, cultural power, and post-globalization: The case of China's international media expansion and the discourse of soft power*. *Global Media and China*, 1, 278 - 294.
- Ghaffari Ghadir, J., Moradjani, M., & Hosseini, J. (2018). *Appropriate media policies with a cultural diplomacy approach in the Islamic Republic of Iran*. *Yafteha: Analysis of HispanTV's Policies*. [in Persian]
- Gass, R. H., & Seiter, J. S. (2009). *Persuasion: Social influence and compliance gaining* (4th ed.). Boston: Allyn & Bacon.
- Gause, F. G. (2019). *Beyond Sectarianism: The New Middle East Cold War*. Brookings Institution
- Gass, R. H., & Seiter, J. S. (2009). *Persuasion: Social influence and compliance gaining* (4th ed.). Boston: Allyn & Bacon.
- Hadian, N., & Saeidi, R. A. (2013). *From traditional public diplomacy to modern public diplomacy: A Habermasian approach*. *Rahbord Quarterly*, 22(68), 23-61. Retrieved from the Comprehensive Portal of Humanities. [in Persian]
- Hammond, P. (2018). *Framing Post-Cold War Conflicts: The Media and International Intervention*. Manchester University Press.
- Heidari, N. (2022). *The impact of U.S. forces' presence in post-2003 Iraq on the national security of the Islamic Republic of Iran*. *Yafteha: The Role of American Hard and Soft Power in Threatening Iran's National Security*. [in Persian]
- Hosseini, M., et al. (2022). U.S. security threats in Iraq and the countermeasures of the Islamic Republic of Iran. *Security Studies Quarterly*, 28(3), 75-95. [in Persian]
- Jones, T. (2014). *Toxic War and the Politics of Uncertainty in Iraq*. *International Journal of Middle East Studies*, 46, 797 - 799.
- Joseph, M., & Kurth, M. (2020). *Soft War: The Ethics of Unarmed Conflict*. Cambridge University Press.
- Kahl, C. J. (2018). *Aftershocks: The Politics of Trauma in the Wake of War*. Oxford University Press.
- Kraidy, M. M. (2010). *Reality Television and Arab Politics: Contention in Public Life*. Cambridge University Press.
- Krueger, R. A., & Casey, M. A. (2014). *Focus Groups: A Practical Guide for Applied Research* (5th ed.). SAGE Publications.

- Khoshayand, H. (2021). *The U.S. strategy to strengthen its soft influence in Iraq*. Yafteha: U.S. Measures in Expanding Cultural and Soft Power in Iraq. **[In Persian]**
- Lychkovska, O. (2017). *Digital Media Narratives at the Era of Postmodernity: Theatricalization of Politics and Hybrid War.*, 1, 43-50.
- Manslow, B. (2018). *Losing Soft Power in Hard Places: Humanitarianism after the US Invasion of Iraq. Findings: Analysis of the aftermath of US intervention in Iraq*.
- Mahdizadeh, H. (2008). *The role of the media in shaping public opinion*. *Communication Research Quarterly*, 5(1), 15-30. [in Persian]
- Morgan, D. L. (1996). *Focus Groups*. *Annual Review of Sociology*, 22, 129-152.
- Nowell, L. S., Norris, J. M., White, D. E., & Moules, N. J. (2017). *Thematic analysis: Striving to meet the trustworthiness criteria*. *International Journal of Qualitative Methods*, 16(1), 1-13.
- Nikravesh, M. (2022). The sources of the Islamic Republic of Iran's soft power in post-2003 Iraq. Yafteha: Examining the Geographical Influence and Ethnic, Linguistic, and Cultural Commonalities Between Iran and Iraq in Enhancing Iran's Soft Power. **[in Persian]**
- Nye, J. S. Jr. (2004). *Soft Power: The Means to Success in World Politics*. Public Affairs.
- Omidi, A. (2019). *The impact of the United States' soft power on increasing its influence in Iraq*. Yafteha: U.S. Soft Power Strategies After 2003. [in Persian]
- Ors, M., & Krosvik, A. (2016). *New Challenges in Media Policy Making*. Findings: Analysis of globalization's impact on media policies.
- Pamment, J. (2013). *New Public Diplomacy in the 21st Century: A Comparative Study of Policy and Practice*. Routledge.
- Pourrashidi, H., Alipour, J., Samadi, M., & Soleimani, N. (2021). *Iran's Media Policy: Focusing on Regulations and Laws*. *Journal of Media Policy*, Vol. XX.
- Simbar, R. (2022). Iran and post-Daesh Iraq: Challenges ahead. Findings: Strategic management of Iran's power resources in Iraq.
- Simons, G. (2021). *Hard and Soft Power Approaches to Armed Conflicts: The United States in Iraq and Russia in Syria*. *Russia in Global Affairs*
- Stewart, D. W., & Shamdasani, P. N. (2015). *Focus Groups: Theory and Practice* (3rd ed.). SAGE Publications.
- Szondi, G. (2009). *Central and Eastern European public diplomacy: A transitional perspective on national reputation management*. In P. Taylor & N. Snow (Eds.), *The Routledge handbook of public diplomacy* (pp. 299-308). New York: Routledge.
- Talebiban, S. (2020). *Features of Iran's Broadcasting Policy: Thematic Policy Analysis. Findings: Characteristics of Iran's state broadcasting regulations*.
- Taqhipour, T. (2021). *The political-security consequences of U.S. presence in Iraq*. Yafteha: Analysis of the Effects of U.S. Presence on Iraq's Domestic and Foreign Policy. **[in Persian]**
- Zohali, R., & Mousazadeh, R. (2020). *The approach of the United States in soft war against Iran with a human rights perspective*. Yafteha: U.S. Strategies for Soft War. **[in Persian]**

